

الگوی گرایشی رشد فرهنگی انسان از دیدگاه قرآن کریم*

محمد مصطفی اسعدی (نویسنده مسؤول)^۱
امیر محسن عرفان^۲

چکیده:

در این پژوهش می‌کوشیم با هدف ارتقای کیفی رویکرد فرهنگی به قرآن کریم، الگوی گرایشی رشد فرهنگی انسان از دیدگاه قرآن را بیان کنیم. این مقاله با روش توصیفی - تحلیلی سامان یافته، و بر حسب دستاورد یا نتیجه تحقیق، از نوع توسعه‌ای - کاربردی، و از لحاظ هدف تحقیق، از نوع اکتشافی، و به لحاظ نوع داده‌های مورد استفاده، یک تحقیق کیفی است. این نوشتار «ضرورت‌شناسی قرآن پژوهی فرهنگی» را آغازگاهی برای تبیین هر چه بهتر مسأله می‌داند. «نقش ریشه‌ای قرآن کریم در اصلاح فرهنگی»، «حاکمیت رویکرد سکولار در فرهنگ پژوهی»، «ایجاد درک مشترک از دیدگاه فرهنگی قرآن» و «خلق تصویری ذهنی از آینده مطلوب فرهنگی از دیدگاه قرآن»، از مهم‌ترین ضرورت‌ها در این زمینه است. نتایج حاصل از تحلیل و ترکیب داده‌های جمع‌آوری شده نشان می‌دهد که «معنویت‌گرایی»، «خردگرایی»، «عمل‌گرایی» و «علم‌گرایی»، اضلاع چهارگانه رشد فرهنگی انسان در بعد گرایشی از دید قرآن است که پیوست فرهنگی هر کدام از آن اضلاع، تمام عرصه‌های فرهنگی را پوشش می‌دهد.

کلیدواژه‌ها:

قرآن و فرهنگ / رشد فرهنگی / الگوی گرایشی / معنویت‌گرایی / خردگرایی / علم‌گرایی / عمل‌گرایی

* تاریخ دریافت: ۱۳۹۷/۱۰/۲۹، تاریخ تأیید: ۱۳۹۸/۰۲/۲۸.

شناسه دیجیتال (DOI): 10.22081/jqr.2019.54342.2529

mm6307105@gmail.com

۱- دانش‌آموخته دکترای مدرسی معارف دانشگاه معارف اسلامی

amir.m.erfan62@gmail.com

۲- استادیار دانشگاه معارف اسلامی



تبیین مسأله

تبیین و تحلیل فرهنگی قرآن کریم گستره عظیمی از فعالیت‌های فکری را در حوزه تولید نرم‌افزارهای مناسب می‌طلبد. شاخصه‌های رویکرد فرهنگی قرآن کریم نقطه تمایز نگاه فرهنگی آن و دیگر مکاتب فکری است. «کلی‌نگری با نگاه مجموعه‌ای (سیستمی) به فرهنگ»، «نگاه جریان‌ی (غیرساکن) به فرهنگ»، «توجه به شرایط محیطی و عوامل تأثیرگذار بیرونی بر فرهنگ»، «قدرت آینده‌نگری و آینده‌پردازی در حوزه فرهنگ» و «ابتنای بر انسان‌شناسی بنیادین و جامع در عرصه فرهنگ»، از مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد فرهنگی قرآن کریم است.

نباید از نظر دور داشت که قرآن معمولاً از نگاهی توصیفی و به‌طور عمده با رویکردی درون‌دینی مورد بحث قرار می‌گیرد و کمتر به رابطه آن و فرهنگ‌سازی توجه می‌شود. این نوشته در پی آن است تا الگوی مطلوب قرآن کریم در رشد فرهنگی انسان را بررسی کند و نشان دهد که قرآن‌پژوهی فرهنگی، نقشی اساسی در مهندسی فرهنگ و تمدن دارد. ماندگاری فرهنگ و تمدن اسلامی و نیز پویایی آن، وامدار بهره‌گیری ما از آموزه‌های دینی است. در این زمینه قرآن کریم مورد بحث قرار می‌گیرد و ظرفیت‌ها و قابلیت‌های آن در طراحی الگوی مطلوب رشد فرهنگی مورد کاوش قرار می‌گیرد.

نکته درخور یادکرد این است که نگرش فرهنگی به قرآن از آن‌رو است که نگرش فرهنگی، نگرشی فراگیر و جامع است. در این رویکرد، قرآن در مقیاسی کلان و در نسبتی با دیگر حوزه‌ها مورد مطالعه قرار گرفته و از تحلیل‌های تک‌عاملی پرهیز می‌شود. از سوی دیگر، کسانی که بر فرهنگ‌شناسی قرآنی و ضرورت احیای آن تأکید دارند، به آن سبب است که اصولاً در نگاه فرهنگی است که جا و راه برای نهادینه کردن اجتماعی یک فکر، آن هم در گستره‌ای وسیع، ممکن می‌گردد.

در این نوشتار فرض بر این است که اسلام و با تأکید پردامنه‌تر قرآن، در ساحت رشد فرهنگی انسان، اصول و ضوابط متمایزی را به رخ همگان کشیده است. قرآن کریم اضلاع و ساختار متعالی در عرصه رشد فرهنگی انسان ارائه می‌دهد که توجه به این ظرفیت‌ها و قابلیت‌ها، زمینه‌ساز رشد فرهنگی جامعه اسلامی می‌گردد. از این‌رو برای نشان دادن صحت این استدلال، تلاش می‌شود که نشان داده شود:

۱. ضرورت‌های قرآن‌پژوهی فرهنگی چیست؟
۲. مهم‌ترین اضلاع و مؤلفه‌های رشد‌گرایشی انسان در قرآن کریم چیست؟

۳. مهم‌ترین شاخصه‌های رویکرد قرآن کریم در تبیین این مؤلفه‌ها چیست؟

۱. ضرورت‌شناسی قرآن‌پژوهی با رویکرد فرهنگی

بحث و گفت‌وگوی علمی درباره «قرآن کریم» و «فرهنگ» و احکام و عوارض آن، از چند منظر برای جامعه اسلامی و انقلابی ما ضرورت و اهمیت دارد و درنگ را بر اندیشه و قلم، تحمیل می‌کند.

نخست بررسی این مهم است که فهم اجتماعی و فرهنگی از آیات قرآن کریم بر طراحی برنامه عملیاتی در این زمینه مقدم است. منظور از فهم فرهنگی در اینجا، صرف «شناخت» نمی‌باشد، بلکه مجموع اقداماتی را شامل می‌شود که این پدیده را برای مسلمانان معنادار ساخته و نوعی «درک مشترک» را برای نیل به چنین فهمی پدید می‌آورد. البته پژوهش‌هایی این چنینی، دارای اولویت منطقی هستند.

دوم اینکه حساسیت بر تبیین فرهنگی آیات قرآن و تلاش برای تحقق لوازم آن، کنشی بین تمدنی به‌شمار می‌رود؛ کنشی فرهنگی - سیاسی میان تمدن اسلام و غرب. عدم مقاومت فرهنگ و تمدن اسلامی در مقابل جریان همگون‌سازی فرهنگی نه فقط امری پسندیده نیست، بلکه این امر به تسلط فرهنگی دشمن منجر می‌شود. سوگمندان رشد فرهنگی انسان در برخی از مجامع علمی در ایران، از رهیافت پژوهش‌های غربی سامان می‌یابد.

سوم اینکه وجه اهمیت تبیین فرهنگی قرآن کریم در این است که قرآن، عناصر ریشه‌ای فرهنگ‌سازی را مد نظر قرار داده است. وجه اهمیت عناصر ریشه‌ای فرهنگ در این است که اصلاح فرهنگی در جامعه نیازمند بررسی عناصر ریشه‌ای فرهنگ جامعه و تلاش برای تکامل و تعالی آن است. و طبیعی است که در این صورت، عناصر غیر ریشه‌ای نیز به هر نسبتی که از محتوا و بار ارزشی برخوردار باشد، به‌عنوان عناصر تابع و پیرو، به سمت اصلاح و رشد حرکت خواهد کرد.

در توضیح باید افزود عناصر تأثیرگذار بر فرهنگ را می‌توان به دو بخش تقسیم نمود: بخشی از عناصر که بر سایر عناصر فرهنگی سایه افکنده و چگونگی آن را رقم می‌زند، و بخشی دیگر که عناصر تابع و درجه دوم فرهنگ تلقی می‌شوند. دسته اول را عناصر ریشه‌ای می‌نامیم و دسته دوم را عناصر ابزاری، قالبی و نمادین^۱.

بیش‌ها و ارزش‌ها عناصر ریشه‌ای فرهنگ‌اند. اما سایر عناصر فرهنگ از قبیل آداب و رسوم، هنر، زبان و ادبیات، عناصری هستند که از عناصر ریشه‌ای متأثر هستند. البته



آداب و رسوم و هنر، ابزار و قالب انتقال عناصر ریشه‌ای هستند و از نمادهای ویژه قومی و اجتماعی شمرده می‌شوند.

در نهایت این نکته را می‌توان افزود که اندیشه اصلاح، ارتقا و تبیین فرهنگی در رویکرد به قرآن کریم، دست‌کم به دو پیش‌فرض نیازمند است: نخست اینکه وضعیت کنونی رویکردها به قرآن کریم، دچار کاستی‌ها، اشکالات و نارسایی‌هایی است که باید اصلاح شده و تغییر یابد. دیگر اینکه تصویری ذهنی برای وضعیت مطلوب و سامان یافته وجود داشته و بایستگی‌های رویکرد مطلوب فرهنگی و تمدنی به قرآن تعیین شده باشد.

۲. رویکردشناسی پژوهش در اکتشاف و بسط الگوی قرآنی رشد فرهنگی انسان

این پژوهش با رویکرد «جامع‌نگر» در صدد اکتشاف و بسط الگوی قرآنی رشد فرهنگی است. این رویکرد مهم‌ترین عامل رشد فرهنگی را، باور به جامعیت آموزه‌های اسلامی جهت احیای تمدن اسلامی می‌داند.^۲ صاحبان دیدگاه «جامع‌نگر» معتقدند که دین در بیان و تبیین نیازمندی‌های مادی و دنیوی بشر ساکت نیست، بلکه یک بخش از اهداف پیامبران و نبوت، تأمین سعادت دنیوی بشری است و آیین اسلام که دین کامل و خاتم است، به‌صورت جدی در تأمین سعادت بشری دارای نقش است. اما نکته ظریف و قابل توجه اینکه نقش دین در تأمین سعادت دنیوی نه در ارائه برنامه و قوانین خاص در عرصه‌های مختلف است، بلکه دین می‌کوشد با ارائه مبانی، اصول و جهات کلی در تأمین سعادت دنیوی، به انسان مدد رساند، اما استخراج قوانین و برنامه و راهکارهای خاص و متناسب به زمانه را به خود بشر حواله کرده است. به دیگر سخن، نباید از دین انتظار داشت که همه مبانی، اصول، روش‌ها و قوانین و راهکارهای جزئی مربوط به امور دنیوی را ذکر کرده باشد.^۳

الگوی گرایشی رشد فرهنگی انسان با رویکرد جامع‌نگر به دین برخاسته از وحی، در یک مدل چهارضلعی، ذیل اضلاع «معنویت‌گرایی»، «خردگرایی»، «علم‌گرایی» و «عمل‌گرایی» تعریف می‌گردد تا چهار گرایش را در مسیر دستیابی به هدف مذکور ارائه نماید. الگوی گرایشی مد نظر، مدل کاربردی ساختارمند در شکل‌دهی نظام ارزش‌ها و گرایش‌های انسانی است که بخشی از نظامات فرهنگی جامعه را سامان می‌بخشد. هر کدام از موارد آن با تعریف خاص و ضوابط منحصر به فرد قرآن دیده شده که همراه با یک پیوست فرهنگی ارائه می‌گردد؛ زیرا این مفاهیم، اصطلاحاتی هستند که با تعاریف

و ضوابط مختلف قابل تغییر هستند. از این رو بایستی تعریف و ضوابط مشخص هر کدام ذیل یک پیوست فرهنگی روشن گردد.

پیوست فرهنگی این گونه تعریف می‌شود: «گامی عملی و کوتاه‌مدت برای کاهش آسیب‌های فرهنگی ناشی از الگوهای رایج در عرصه‌های مختلف فعالیت‌های سیاسی، اقتصادی و ...». (امامی، ۱۳۹۱: ص ۱۰۱) همچنین آن را این گونه تعریف کرده‌اند: «سندی مشتمل بر مطالعات کارشناسی، مبین پیش‌بینی پیامدهای فرهنگی و اعمال الزامات و استانداردهای مربوط در هر طرح، تصمیم و اقدام کلان فرهنگی، اجتماعی، سیاسی، اقتصادی، حقوقی و قضائی متناسب با مقتضیات و شرایط جامعه...». (نقشه مهندسی فرهنگی کشور، ۱۳۹۳: ص ۴) به دیگر سخن، می‌توان آن را دستورالعملی دانست که کاریست آن، از آسیب‌رسی به فرهنگ تراز جامعه در خلال اقدامات گوناگون اجتماعی جلوگیری می‌کند. این موضوع دارای ضوابط و شاخص‌های ویژه خود است که در مطالعات فرهنگی به تفصیل بدان پرداخته شده است. (امامی، ۱۳۹۱: ص ۱۴۳)

در قرآن اما می‌توان این موضوع را بدون لحاظ محدودیت زمانی در نظر گرفت؛ زیرا یکی از ویژگی‌های این کتاب، فرازمانی و فرانسلی بودن آن است. همچنین نگاه کلان قرآن، گستره این دستورالعمل را در بخش‌های مختلف حیات انسانی استوار می‌سازد تا تنها به عناصر کلی فرهنگ‌ساز یا مخرب فرهنگ التفات بدهد.

۳. یافته‌های پژوهش در بازنمایی الگوی گرایشی رشد فرهنگی از دیدگاه قرآن

۳-۱. معنویت‌گرایی

مقوله معنویت موضوعی است که در مکاتب فکری گوناگون، مفهومی مجزا و خاص دارد. این مقوله در علوم مختلف انسانی، مانند روانشناسی، عرفان و اخلاق مطرح شده و صاحب‌نظران هر حوزه دانشی، به فراخور بحث خود، به چپستی و چگونگی آن پرداخته و حتی آن را به‌عنوان یک علم، مورد مذاقه قرار داده‌اند^۴ و آن‌گاه ارتباط آن را با سایر علوم اجتماعی بررسی نموده‌اند.^۵ این موضوع در قرآن نیز به‌طور مجزا مورد تحلیل و ارزیابی قرار گرفته است.^۶

اما با توجه به رویکرد فرهنگی پژوهش حاضر، این مسأله را می‌توان چنین تعریف نمود: ارتباط روحی و قلبی انسان با موجود مشخصی که تأمین‌کننده نیاز روحی انسان در اتکا به موجود ماورایی است. این مفهوم در قرآن کریم به پیوند روحی انسان با



پروردگار متعال منحصر می‌شود. در واقع از دیدگاه قرآن، معنویت نقطه اتکای درونی انسان به مبدأ هستی است که می‌تواند نیازهای روحی او را در حیات فردی و جمعی تأمین نماید. البته این موضوع به معنای درون‌گرایی فارغ از توجه به بیرون و جامعه نیست؛ زیرا درون‌گرایی و برون‌گرایی اسلام، دوش به دوش یکدیگر و جدایی‌ناپذیر هستند (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ص ۳۷۹). این گفتار بدان معناست که پیوند درونی انسان با خدا در فرهنگ قرآنی، بر زندگی فردی و اجتماعی او سایه افکنده و حیات انسان در تمام ابعاد، متأثر از معنویت اوست.

به هر روی، معنویت در زبان قرآن در اصطلاحات متعددی مانند ذکر خدا (بقره: ۱۵۲)، توکل بر خدا (آل عمران: ۱۲۲)، استعاذه به خدا (اعراف: ۲۰۰)، استغاثه به پروردگار (انفال: ۹)، رجاء به خدا (نساء: ۱۰۴)، محبت خدا (بقره: ۱۶۵)، دعا به درگاه پروردگار (غافر: ۶۰)، و در نهایت تفویض امر بر خدا (غافر: ۴۴) بیان گردیده که واژه‌شناسی هر کدام به منابع لغوی و تفسیری مربوط است. نکته مربوط به پژوهش آن است که باید دانست معنویت در تراز فرهنگ دینی، راهکار اصلی در زدایش دنیاگرایی و بیگانه‌گرایی است که باعث رفتارهای خلاف فرهنگ معیار می‌گردند؛ یعنی اگر انسان از این مقوله تهی شد، دنیاگرایی جای آن را گرفته و او را وادار به ناهنجاری‌های مختلفی در عرصه جامعه می‌نماید و حیات ابدی آخرت و رضوان الهی را از دست می‌دهد، و یا اینکه دچار بیگانه‌گرایی شده، متکی به عناصر ناهمسو با جریان حق می‌شود که خود نوعی معنویت انحرافی است.

قرآن کریم در بیان ضابطه‌مند خود در مورد معنویت‌گرایی، یک آیین‌نامه مشخص برای آن ارائه نموده تا بشر، معنویت را بیاموزد که از مکاتب بشری مجزاست و در قالب فرهنگ معیار شکل می‌گیرد. ما آن را تحت عنوان معنویت‌گرایی همراه با پیوست فرهنگی، در جدول زیر مورد بررسی قرار خواهیم داد.

جدول پیوست فرهنگی معنویت‌گرایی در قرآن کریم

آیه	گزاره	نظام	ارجاع
۱	لزوم یاد خدا بودن برای یادکرد انسان توسط خدا	باورها	بقره: ۱۵۲
۲	لزوم یاد خدا در حج	باورها	بقره: ۱۹۸، ۲۰۰ و ۲۰۳
۳	لزوم یاد خدا در جنگ	باورها	بقره: ۲۳۹، نساء: ۱۰۳

انفال: ۴۵			
آل عمران: ۴۱، احزاب: ۴۱	باورها	لزوم کثرت یاد خدا	۴
آل عمران: ۱۳۵	باورها	لزوم یاد خدا در عرصه گناه	۵
آل عمران: ۱۹۱	باورها	یاد خدا در شرایط مختلف و ویژگی اولوالالباب	۶
نساء: ۱۴۲	باورها	کمبود یاد خدا، ویژگی منافقان	۷
مائده: ۹۱	باورها	توجه به تلاش شیطان برای بازداری از یاد خدا	۸
اعراف: ۲۰۵	رفتارها	لزوم یاد خدا در نفس از روی تضرع و خوف، آهسته و آرام، صبح و شام	۹
انفال: ۲، حج: ۳۵	باورها	ترس دل به هنگام یاد خدا، ویژگی مؤمنان و مخبتان	۱۰
رعد: ۲۸	باورها	یاد خدا مایه آرامش دلها	۱۱
کهف: ۲۸	رفتارها	لزوم عدم پیروی از غافلان از یاد خدا	۱۲
طه: ۱۴	رفتارها	لزوم برپایی نماز برای یادکرد خدا	۱۳
طه: ۳۴	باورها	کثرت یاد خدا، هدف انبیا	۱۴
طه: ۱۲۴	باورها	اعراض از یاد خدا، باعث تنگی معیشت	۱۵
انبیاء: ۴۲	باورها	اعراض از یاد خدا، ویژگی مسخره‌گران انبیا	۱۶
حج: ۴۰	رفتارها	جهاد، بسترساز فضای معنویت‌زا	۱۷
مؤمنون: ۱۱۰	رفتارها	تمسخر مؤمنان، مایه فراموشی یاد خدا	۱۸
نور: ۳۷	رفتارها	عدم بازداری تجارت دنیوی از یاد خدا، ویژگی مؤمنان	۱۹
احزاب: ۳۵	باورها	یادکرد کثیر خدا بایسته مغفرت و اجر عظیم	۲۰
زمر: ۲۳	باورها	آیات قرآن زمینه‌ساز یاد خدا	۲۱
زخرف: ۳۶	باورها	دوری از یاد خدا باعث همراهی شیطان	۲۲
نجم: ۲۹	رفتارها	لزوم دوری از رویگردانان از یاد خدا	۲۳
حدید: ۱۶	باورها	لزوم خشوع قلبی مؤمنان با یاد خدا	۲۴
مجادله: ۱۹	باورها	توجه به نقش شیطان در زدایش یاد خدا	۲۵
جمعه: ۹	رفتارها	لزوم توجه به برنامه‌های مربوط به یاد خدا در مواقع خاص (نماز جمعه)	۲۶
جمعه: ۱۰	باورها	یاد فراوان خدا بایسته رستگاری	۲۷
منافقون: ۹	باورها	پرهیز از بازداری اموال و اولاد نسبت به یاد خدا	۲۸
جن: ۱۷	باورها	رویگردانی از یاد خدا باعث عذاب الهی	۲۹



۳۰	توکل بر خدا بایسته ایمان	باورها	آل عمران: ۱۲۲، مائده: ۲۳
۳۱	لزوم توکل بر خدا پس از تصمیم‌گیری‌های اجرایی اجتماعی	باورها	آل عمران: ۱۵۹
۳۲	آگاهی از محبت خدا نسبت به متوکلین	باورها	آل عمران: ۱۵۹
۳۳	لزوم توکل بر خدا در مقابل دشمن	باورها	انفال: ۶۱، توبه: ۵۱، احزاب: ۴۸
۳۴	لزوم توکل توکل‌کنندگان بر خدا	باورها	یوسف: ۶۷
۳۵	لزوم استمرار توکل، نه مقطعی بودن (برداشت از فعل)	باورها	نحل: ۴۲، عنکبوت: ۵۹
۳۶	توکل بایسته مقابله با سلطه شیطان	باورها	نحل: ۹۹
۳۷	کفایت خداوند برای کسی که به او توکل کند	باورها	طلاق: ۳
۳۸	لزوم پناه دادن فرزند به خدا در دعا برای او	رفتارها	آل عمران: ۳۶
۳۹	لزوم پناه‌گیری به خداوند به هنگام وسوسه شیطانی	باورها	اعراف: ۲۰۰، فصلت: ۳۶
۴۰	لزوم پناه‌گیری به خدا در بستر گناه	باورها	یوسف: ۲۳
۴۱	لزوم پناه‌گیری (قولی و قلبی) به خدا هنگام قرائت قرآن	باورها و رفتارها	نحل: ۹۸
۴۲	لزوم پناه‌گیری به خدا از متکبران بی‌ایمان	باورها	غافر: ۲۷
۴۳	لزوم پناه‌گیری به خدا در مقابل ستیزه‌گران متکبر	باورها	غافر: ۵۶
۴۴	لزوم پناه‌گیری به خدا در مقابل تهمت‌ها	باورها	دخان: ۲۰
۴۵	لزوم پناه‌گیری به خدا از شر مخلوقات	باورها	فلق: ۱ و ۲
۴۶	لزوم پناه‌گیری به خدا از شر وسوسه‌گر پنهانکار	باورها	ناس: ۱ و ۴
۴۷	لزوم استغاثه به پروردگار در جنگ برای پیروزی	رفتارها	انفال: ۹
۴۸	امید به رحمت خدا ویژگی مؤمنان	گرایش‌ها	بقره: ۲۱۸
۴۹	امید به خدا، تفاوت لشکر ایمانی با لشکر کفر	گرایش‌ها	نساء: ۱۰۴
۵۰	ناامیدی به لقای خدا، ویژگی جهنمیان	گرایش‌ها	یونس: ۷
۵۱	درخواست تغییر وحی، ویژگی ناامیدان به لقای خدا	گرایش‌ها و رفتارها	یونس: ۱۵
۵۲	عمل صالح و عدم شرک به خدا بایسته امید به لقای خدا	گرایش‌ها و رفتارها	کهف: ۱۱۰
۵۳	پیامبر اسوه امیدواران به خدا و قیامت	گرایش‌ها	احزاب: ۲۱

	و رفتارها		
۵۴	ابراهیم و همراهانش اسوه امیدواران به خدا و قیامت	گرایش‌ها و رفتارها	ممتحنه: ۶
۵۵	آگاهی از نزدیکی خدا و پاسخ‌دهی به دعاکننده	باورها	بقره: ۱۸۶
۵۶	لزوم انحصار درخواست از خدا در مشکلات	رفتارها	انعام: ۴۱
۵۷	خدا تنها عامل نجات به هنگام درخواست در سختی‌ها	باورها	انعام: ۶۳
۵۸	لزوم خواستن از خدا به همراه دین خالص برای او	باور و رفتار	اعراف: ۲۹
۵۹	لزوم دعا با حالت تضرع و پنهانی	رفتارها	اعراف: ۵۵
۶۰	لزوم دعا با حالت بیم و امید	رفتارها و گرایش‌ها	اعراف: ۵۶، انبیاء: ۹۰
۶۱	لزوم دعا به اسمای حسناى الهی	رفتارها	اعراف: ۱۸۰
۶۲	عدم مطلوبیت انحصار دعا به هنگام سختی	رفتارها	یونس: ۱۲ و موارد دیگر
۶۳	لزوم همراهی با جمعیت اهل دعا	رفتارها	کهف: ۲۸
۶۴	لزوم دعا به حالت خوف و طمع	گرایش‌ها	سجده: ۱۶
۶۵	آگاهی از استجاب با دعا به درگاه پروردگار	باورها	غافر: ۶۰
۶۶	لزوم واگذاری امور به خدا (تفویض)	گرایش‌ها	غافر: ۴۴

۳-۱-۱. شاخصه‌شناسی رویکرد فرهنگی قرآن کریم از معنویت

۱- در نگاه قرآن، معنویت منضبط، اصلی ضروری در رشد فرهنگی است؛ مشروط به آنکه از یک سو خدامحور، و از سوی دیگر ذیل شریعت مطلوب تعریف گردد. از این رو قرآن ضمن آسیب‌شناسی معنویت غیرعقلانی، به تشریح ضوابط معنویت ایده‌آل می‌پردازد. بنابراین موضوعی مانند نماز را می‌توان «معنویت ضابطه‌مند» در فرهنگ اسلامی تعریف نمود که در حقیقت، نقطه تلاقی معنویت و سنت دینی است. به همین جهت، قرآن کریم معنویت را فلسفه این عمل دانسته و می‌فرماید: «من الله هستم؛ معبودی جز من نیست؛ مرا پرست و نماز را برای یاد من به پا دار». (طه: ۱۴) این نکته دقیقی است که بدانیم معنویت قرآنی با آداب و رسوم فرهنگی توأمان عرضه می‌شود؛ یعنی محصول و خروجی آداب و رسوم اسلامی، معنویت است. لذا در برگزاری سنت مهمی به نام حج نیز بر معنویت و یادکرد خداوند تأکید می‌شود (بقره: ۱۹۸).



۲- در نگاه قرآن، معنویت با سایر اضلاع زندگی فردی و اجتماعی، همپوشان است. حوزه نفوذ معنویت، عرصه‌های مختلف حیات انسان، اعم از نظامی، سیاسی، عقیدتی و اقتصادی می‌باشد و او در تمام این میداين، محتاج نقطه اتکای الهی است؛ هرچند وجود این نقطه اتکا، در شرایط سخت، دشواری‌ها و فشارهای اجتماعی پیرنگ‌تر خواهد بود. این فرهنگ تلاش می‌کند حتی در مسائل مادی، توجه جامعه را به سمت حقیقت معنوی خداوند سمت و سو ببخشد، از این رو بر یادکرد خداوند هنگام ذبح حیوان که برای تأمین خوراک است، تأکید دارد (انعام: ۱۱۸).

۳- در این مقوله، کمیت موضوعیت داشته و قرآن مکرر تأکید دارد «کثرت» این مسأله در حیات انسان، ارزشمند است. به همین جهت نه تنها یاد خدا را به پیامبران دستور می‌دهد (آل عمران: ۴۱)، بلکه جامعه ایمانی را نیز بدان امر نموده (احزاب: ۴۱) و آنان را دارای این ویژگی به قید کثرت تعریف می‌نماید و می‌فرماید: «به یقین مردان و زنان مسلمان ... و مردانی که بسیار به یاد خدا هستند و زنانی که بسیار خدا را یاد می‌کنند، خداوند برای همه آنان مغفرت و پاداش عظیمی فراهم ساخته است». (احزاب: ۳۵)

۴- برآیند مجموع گزاره‌های فوق یک نکته نگارشی و شناختی است که انسان در تمام شرایط، خود را وابسته به حقیقت ماورایی «الله» بداند و هیچ گاه خود را از آن وجود بی‌نیاز نداند. به همین جهت است که قرآن بارها از انسان ناهمسو با فرهنگ معیار گلایه می‌کند که چرا او تنها در وضعیت خاص و در احوال نامساعد متوجه به حقیقت ربوبی پروردگار می‌گردد: «هنگامی که رنج و زبانی به مردم برسد، پروردگار خود را می‌خوانند و توبه‌کنان به سوی او باز می‌گردند؛ اما همین که رحمتی از خودش به آنها بچشانند، به‌ناگاه گروهی از آنان نسبت به پروردگارشان مشرک می‌شوند» (روم: ۳۳). در واقع قرآن اصل این معنویت را تخطئه نمی‌نماید، بلکه مقطعی بودن آن را نامطلوب دانسته و استمرار آن را می‌طلبد.

۲-۳. خردگرایی

ضلع دوم رشد جامعه که بایستی در فرهنگ تراز قرآنی آن را مد نظر قرار داد، محوریت خرد انسان است. خرد را واژه‌شناسان فارسی‌زبان به معنای عقل، ادراک، دریافت و فهم دانسته‌اند. (معین، ۱۳۸۶، ج ۱: ص ۶۲۰) بر این اساس، خرد و عقل هر دو مترادف هستند؛ هرچند می‌دانیم در لسان معصومان برای عقل، تعریف و ویژگی خاص

مشخص گردیده است؛ به‌ویژه آنکه گاهی عقل را در مقابل هوای نفس (جعفر بن محمد، ۱۴۰۰ق: ص ۱۰۳) و گاهی در برابر جهل (کلینی، ۱۴۰۷ق، ج ۱: ص ۱۰) تعریف نموده‌اند. با این حال، آیا می‌توان این واژه را همسان واژه «عقل» در فرهنگ دینی و ادبیات عربی دانست؟ این مسأله، موضوعی مجزا از پژوهش حاضر است. ما در این نوشتار این دو را به یک معنا لحاظ نموده و تعقل و تفکری که قرآن آن را به‌عنوان هنجار ارزشی تعریف نموده و همگی به حوزه اندیشه انسان مرتبط است، مورد نظر قرار می‌دهیم.

بایستی توجه داشت خردگرایی به‌طور مشخص راهکاری در جهت زدایش خرافه‌گرایی و کنش‌های غیرعقلی برخاسته از آن است. قرآن در جهت اصلاح فرهنگ جامعه، پیروی از گمان را با پیروی از عقل و خرد جایگزین نموده تا رفتارها با خاستگاه توهمی و پنداری شکل نگیرند. بر این اساس، خرد انسانی به‌عنوان موهبتی خداوندی، محور قرار گرفته و ضوابط زیر برایش تعریف می‌گردد:

جدول پیوست فرهنگی خردگرایی در قرآن کریم

آیه	گزاره	نظام	ارجاع
۱	امر مردم به نیکی با ترک آن در رفتار خود، نشانه نابخردی	رفتارها	بقره: ۴۴
۲	هدف معجزات الهی، خردورزی جامعه	باورها	بقره: ۷۳
۳	جهان خلقت بستر خردورزی برای مردمان خردورز و اندیشه‌ورز (کلی و جزئی)	باورها	بقره: ۱۶۴، آل عمران: ۱۹۱، رعد: ۴، نحل: ۱۲ و ۶۷، روم: ۲۴ جزئی: نحل: ۶۹، روم: ۸
۴	لزوم پرهیز از منش نابخردانه پدران و اجداد	رفتارها	بقره: ۱۷۰
۵	آگاهی از منش کفار به‌عنوان منش بی‌خردی	رفتارها	بقره: ۱۷۱
۶	نزول و بیان آیات به هدف خردورزی و تفکر	باورها	بقره: ۲۱۹ و ۲۴۲، آل عمران: ۱۱۸، یوسف: ۲، انبیاء: ۱۰
۷	محتاجه اهل کتاب درباره ابراهیم، رفتاری نابخردانه	رفتارها	آل عمران: ۶۵
۸	تمسخر و بازی‌گیری نماز توسط اهل کتاب، رفتار نابخردانه	رفتارها	مائده: ۵۸
۹	توجه‌دهی به نابخردی اکثریت کفار	باورها	مائده: ۱۰۳
۱۰	لزوم خردورزی در مورد برتری آخرت بر دنیا	باورها	انعام: ۳۲، اعراف: ۱۶۹



قصص: ۶۰			
انعام: ۱۵۱، نور: ۶۱	رفتارها	بیان توصیه‌های دینی با هدف خردورزی	۱۱
انفال: ۲۲	باورها	نابینایان و ناشنویان بی‌خرد، بدترین جنبدگان	۱۲
یونس: ۱۶	باورها	لزوم خردورزی در نسبت قرآن و رسول خدا	۱۳
یونس: ۴۲	باورها	باورمندی در بی‌ثمری رساندن پیام الهی به کسانی که خردورزی ندارند	۱۴
یونس: ۱۰۰	باورها	آگاهی از اشمال پلیدی بر کسانی که خردورزی ندارند	۱۵
هود: ۵۱	باورها	لزوم خردورزی در نسبت حقایق پیامبر و عدم درخواست اجر از مردم	۱۶
انبیاء: ۶۷	رفتارها	بت‌پرستی رفتاری نابخردانه	۱۷
حج: ۴۶	رفتارها	لزوم سیر در زمین با هدف خردورزی	۱۸
مؤمنون: ۸۰	باورها	زنده کردن و میراندن، رفت‌وآمد روز و شب، عناصر خردورزی	۱۹
شعراء: ۲۸	باورها	لزوم خردورزی در ربوبیت خدا بر شرق و غرب عالم	۲۰
عنکبوت: ۳۵، صافات: ۱۳۸	باورها	ابقای آثار باستانی قوم لوط توسط خداوند با هدف خردورزی	۲۱
عنکبوت: ۴۳	باورها	اختصاص خردورزی در امثال قرآنی به عالمان	۲۲
حشر: ۲۱	باورها	لزوم تفکر در امثال قرآنی	۲۳
عنکبوت: ۶۳	باورها	لزوم خردورزی در تطبیق باور خالقیت خدا و ربوبیت خدا	۲۴
روم: ۲۸، یونس: ۲۴	باورها	تفصیل آیات وحی با هدف خردورزی و تفکر	۲۵
یس: ۶۲	باورها	لزوم خردورزی در مورد جمعیت گمراه‌شده توسط شیطان	۲۶
یس: ۶۸، غافر: ۶۷، زمر: ۴۲	باورها	لزوم خردورزی و تفکر در مراحل عمر انسان تا پیری	۲۷
حجرات: ۴	رفتارها	نابخردی جسارت‌کنندگان به رسول خدا در معاشرت	۲۸
حشر: ۱۴	رفتارها	نابخردی یهودیان جنگ‌جو علیه مسلمانان	۲۹
ملک: ۱۰	باورها	نابخردی ویژگی جهنمیان	۳۰
انعام: ۵۰	باورها	لزوم تفکر در تفاوت انسان نابینا و بینا (بی‌دین و دیندار)	۳۱
اعراف: ۱۷۶	رفتارها	لزوم بیان داستان‌ها در جهت اندیشه‌ورزی	۳۲
اعراف: ۱۸۴	باورها	لزوم تفکر در شخصیت و جایگاه رسول خدا	۳۳
سبأ: ۴۶	باورها	لزوم اندیشه‌ورزی پس از قیام برای خدا	۳۴

۳-۲-۱. شاخصه‌شناسی تبیین فرهنگی قرآن کریم از خرد

۱- خردورزی و یا عدم خردورزی به‌عنوان یک کنش درونی، بر کنش‌های بیرونی انسان اثربخش است. رفتارهای فردی و آداب و رسوم یک جامعه از منظر همسویی یا ناهم‌سویی با فرهنگ معیار، متغیری ذیل وجود کنش خردورزانه و عدم وجود آن کنش تعریف می‌گردند. از این‌رو رسمی مانند بت‌پرستی را - هرچند بخشی از فرهنگ یک قوم شده باشد- برخاسته از نابخردی تعریف می‌نماید، نه برخاسته از خرد جمعی یک جامعه.

۲- میدان خردورزی در قرآن، گستره‌ای وسیع شامل جهان طبیعت، آیات قرآن و کنش‌های انسانی است. بر این اساس، انسان در مسیر فرهنگ ایده‌ال، ملزم است در تک‌تک عناصر در دسترس نظام هستی، خردورزی داشته باشد، نیز بر تغییر احوال جسم انسان در وضعیت‌های مختلف حیاتی اندیشه کند، همچنین آیات وحی را مورد تدبر قرار دهد. لذا فرمود: «ما بر شما کتابی نازل کردیم که وسیله تذکر شما در آن است. آیا نمی‌فهمید؟» (انبیاء: ۱۰).

در نهایت برای همراهی با فرهنگ معیار، به رفتارهای انسان‌ها نیز توجه داشته و لزوم تعقل را گوشزد می‌نماید. از همین رو، در باورمندی به جایگاه نبوت، مقوله عدم درخواست اجر به‌عنوان یکی از عناصر مد نظر در تعقل نسبت به حقانیت انبیا، مورد تأکید قرار می‌گیرد (هود: ۵۱). نیز حیات پیش از نبوت رسول خدا به‌عنوان عنصری خردورزانه در باورمندی به مقوله «وحی» شناسانده می‌گردد (یونس: ۱۶).

به علاوه از دیدگاه قرآن، فرهنگ اقوام پیشین و معاصر نیز به‌عنوان بخش دیگری از رفتارها، بایستی در ترازوی خرد قرار گیرد و از همین رو است که هم آداب و رسوم عرب جاهلی در بوته نقد عقلانی قرار می‌گیرد (مائده: ۱۰۳)، و هم رفتارهای غیرعقلانی اهل کتاب در مواجهه با فرهنگ اسلامی مورد انتقاد واقع می‌شود (مائده: ۵۸).

۳-۳. عمل‌گرایی

ضلع دیگری از راهکارهای قرآن برای اصلاح وضعیت فرهنگ جامعه و به‌طور مشخص راهکاری در مقابله با اباحی‌گری که در نظام کلان مهندسی فرهنگی کتاب وحی ارائه شده، ترویج کار و عمل است. بایستی توجه داشت که مفهوم عمل‌گرایی در این بخش متفاوت از مفهوم نظری آن در مباحث فلسفی است. در بحث فرهنگ و تمدن، این موضوع ناظر به تأکید بر نظام رفتارها و آداب رسوم فرهنگی است تا میزان



نقش اجتماعی آن با توجه به فرهنگ یک جامعه روشن گردد. بر این اساس، مراد از عمل گرایی، اتکا و تأکید بر کنش‌های برخاسته از اراده انسانی است که بر اساس نگرش و گرایش خاصی بروز پیدا کرده و در قالب گفتار یا رفتار او شکل می‌گیرد.

منهای آنکه قرآن بارها عمل صالح را به‌عنوان رفتار معیار در کنار ایمان به‌عنوان ضابطه مطرح کرده، آن را به‌عنوان سنجه نیز تلقی نموده است. قرآن به‌عنوان یک اصل کلی، تصریح دارد که «برای انسان بهره‌ای جز سعی و کوشش او وجود ندارد» (نجم: ۳۹). همچنین جامعه عصر نزول را خطاب قرار داده و با اشاره به جانشینی آنان در قبال جوامع پیشین، هدف آن را مشاهده کیفیت عمل آنان توسط خداوند دانسته است (یونس: ۱۴) و اینکه روزی در قبال عمل خود مورد پرسش قرار خواهند گرفت (نحل: ۹۳). در این راستا پیامبران به انجام اعمال صالح امر می‌شوند (مؤمنون: ۵۱) و آنان هم، قوم خود را به انجام دستورهای خود امر می‌کنند (بقره: ۶۸). در نهایت بهشت سه مرتبه پاداش «عاملین» و اهل عمل معرفی شده (آل عمران: ۱۳۶، عنکبوت: ۵۸، زمر: ۷۴) و بهشتیان به‌واسطه اعمالشان، میراث‌دار بهشت خواهند بود (اعراف: ۴۳). جهنمیان نیز به عقوبت رفتارهای خود عذاب خواهند کشید (صافات: ۳۹).

نکته مهم در این بخش آن است که ترویج این مسأله به عمل صرف تعلق نگرفته و همراه با یک بسته فرهنگی ارائه گردیده است تا در عین تأکید بر ضرورت عمل‌گرایی، به ضوابط فکری و رفتاری آن نیز توجه شود.

جدول پیوست فرهنگی عمل‌گرایی در قرآن کریم

ردیف	گزاره	نظام	ارجاع
۱	باورمندی به آگاهی و شهود خدا نسبت به تمام اعمال انسان	باورها	یونس: ۶۱ و ...
۲	باورمندی به مخلوق بودن انسان و عمل انسان ذیل اراده الهی	باورها	صافات: ۹۶
۳	باورمندی به یافت و کشف فرامادی عمل انسان توسط خودش در آینده	باورها	آل عمران: ۳۰ و ...
۴	باورمندی به مانایی و ضبط عمل در دستگاه عدالت الهی	باورها	آل عمران: ۱۹۵، انفطار: ۱۰-۱۲
۵	باورمندی به وجود عناصر جبران‌کاستی عمل	باورها	نساء: ۳۱، عنکبوت: ۷
۶	باورمندی به وجود عناصر نابودگر عمل انجام شده انسان	باورها	مائده: ۵، فرقان: ۲۳، زمر: ۶۵

۷	باورمندی به عدم اختصاص پاداش الهی عمل به جامعه اسلامی	باورها	مائده: ۶۹
۸	باورمندی به امکان رسوخ عمل شیطان در عمل جامعه انسانی	باورها	مائده: ۹۰، قصص: ۱۵
۹	باورمندی به جبران پذیری برخی اعمال ناشایست	باورها	انعام: ۵۴
۱۰	باورمندی به جبران ناپذیری برخی اعمال ناشایست	باورها	نساء: ۹۳، توبه: ۶۳
۱۱	آگاهی از علاقه و جذب هر جامعه نسبت به عمل خود	باورها	انعام: ۱۰۸ فاطر: ۸، غافر: ۳۷
۱۲	باورمندی به نقش عمل در جایگاه و درجه انسان از بدترین تا بهترین بشر	باورها	انعام: ۱۳۲، طه: ۷۵، عنکبوت: ۹، احقاف: ۱۹، بینه: ۷
۱۳	باورمندی به اکتفای عمل شایسته تا سرحد توان	باورها	انعام: ۱۵۲، اعراف: ۴۲، مؤمنون: ۶۲
۱۴	لزوم همراهی ایمان با عمل	باورها و رفتارها	انفال: ۲-۴، توبه: ۱۱۲
۱۵	باورمندی به وجود کادر نظارت الهی بر اعمال انسان	باورها	زمر: ۷۰، یونس: ۶۱
۱۶	باورمندی به وجود کادر نظارت انسانی بر اعمال انسان	باورها	توبه: ۱۰۵
۱۷	لزوم امیدواری و عدم یأس در آمیختگی رفتار شایسته و ناشایست	گرایش‌ها	توبه: ۱۰۲
۱۸	باورمندی به گستردگی اعمال شایسته در عرصه اجتماع و بین‌الملل	باورها	توبه: ۱۲۰ و ۱۲۱
۱۹	باورمندی به پیوند عمل انسان با خلقت و نظام هستی	باورها	هود: ۷، کهف: ۷
۲۰	باورمندی به پیامدهای مادی و دنیوی عمل	باورها	نحل: ۳۴ و ۹۷، روم: ۴۱
۲۱	ارتباط عمل با گرایش‌های انسانی	گرایش‌ها	مریم: ۹۶
۲۲	درک افزونی پاداش عمل شایسته و دریافت منصفانه مجازات عمل ناشایست	گرایش‌ها	قصص: ۸۴، انعام: ۱۶۰
۲۳	درک پاداش ویژه بندگان خاص خدا در اعمال خود	گرایش‌ها	نور: ۳۸، زمر: ۳۵، احقاف: ۱۶
۲۴	درک تنوع پاداش مادی و فرامادی اعمال شایسته	گرایش‌ها	بقره: ۲۵، هود: ۱۱، رعد: ۲۹
۲۵	درک تنوع مجازات مادی و فرامادی اعمال ناشایست	گرایش‌ها	اعراف: ۱۳۰، یونس: ۴، عنکبوت: ۴۰



۲۶	باورمندی به اثربخشی عمل جامعه ایمانی در سرانجام جامعه بشری	باورها	نور: ۵۵
۲۷	لزوم ابراز بیزاری از اعمال ناشایست	رفتارها	شعرا: ۱۶۸
۲۸	لزوم انفکاک و اعلام جدایی رفتاری از جامعه غیرایمانی	رفتارها	یونس: ۴۱، کافرون: ۶
۲۹	لزوم بهره‌گیری از سرمایه انسانی و مالی در بهبود و افزایش عمل	رفتارها	سبأ: ۳۷
۳۰	لزوم بهره‌گیری از حیات انسانی در بهبود و افزایش عمل	رفتارها	ملک: ۲
۳۱	لزوم بهره‌گیری از تجربیات تاریخی در بهبود عمل	رفتارها	توبه: ۶۹
۳۲	لزوم هم‌خوانی گفتار و رفتار جامعه ایمانی	رفتارها	صف: ۲
۳۳	لزوم تسریع و سبقت‌گیری در انجام نیکی‌ها	رفتارها	بقره: ۱۴۸، مائده: ۴۸، آل عمران: ۱۳۳-۱۳۶
۳۴	باورمندی به عدم یکسانی عمل شایسته و ناشایست در درگاه الهی	باورها	ص: ۲۸، غافر: ۵۸، جاثیه: ۲۱، محمد: ۱۴

پیوست فرهنگی بالا، هم پاسخ به اباحی‌گران دین‌گریز، هم پاسخ به مادی‌گرایان کوتاه‌نگر، و هم پاسخ به جبرگرایان مسؤلیت‌گریز است که همگی به نقش عمل در حیات بشر پی ببرند. در عین حال راهکاری برای مؤمنان سست و عافیت‌گراست که آگاه باشند در فرهنگ قرآنی، رفتار جامعه انسانی به‌عنوان یک شاخص در برتری و سعادت سنجیده می‌شود و دارای آثار چندبعدی است. از سوی دیگر آگاه باشند که بخشی از ضعف‌های فرهنگی و تمدنی آنان در عرصه حیات بشری، خاستگاه رفتاری دارد.



۳-۴. علم‌گرایی

واژه علم که در زبان فارسی مترادف دانش، آگاهی، شناخت و معرفت است، از جهت لغوی به‌معنای آگاهی از واقعیت است. این واژه گاهی ناظر به حالات روانی انسان در یقین، ظن، وهم و یا تخیل یک موضوع است و ارتباطی با خود موضوع ندارد؛ زیرا اگر به مطلب خلاف واقعی صددرصد باور داشته باشد، یقین محسوب می‌گردد. لذا قرآن فرمود: «وَمَا لَهُمْ بِذَلِكَ مِنْ عِلْمٍ إِنْ هُمْ إِلَّا يَظُنُّونَ» (جاثیه: ۲۴). اما گاهی این واژه به‌معنای شناخت مطابق با واقع به‌کار می‌رود. بر این اساس، در اختلاف علمی میان افراد در موضوع واحد، تنها یک نظر علم است و بقیه جهل به‌شمار می‌رود. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ص ۴۴-۵۰)

به هر روی علم با تعاریف مختلفی روبه‌رو است. فلاسفه ماهیت علم را به معنای حضور ماهیت معلوم نزد عالم دانسته‌اند. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۹: ص ۲۰۹) به عقیده حکمای اسلامی، حقیقت علم و آگاهی (نسبت به اشیای خارج) حصول ماهیت شیء خارجی در ذهن است. (همان، ج ۵: ص ۲۲۳) برخی نیز معتقدند: علم عبارت است از مجموعه مسائلی تشکیل شده از موضوع و محمول که موضوعات آنها زیرمجموعه یک موضوع واحدند. (مصباح یزدی، ۱۳۹۲: ص ۸۰) استاد مطهری اقوالی را درباره حقیقت علم ذکر نموده که برخی آن را از مقوله کیف، برخی از مقوله معلوم، و برخی نیز از مقوله معلوم با قید اینکه به مقوله کیف منقلب می‌گردد، می‌دانند. (مطهری، ۱۳۷۶، ج ۱۳: ص ۲۹۲). اما همو ماهیت دانش در قرآن را با تعبیر «شناخت آیه‌ای» معرفی نموده است که بر مبنای آن، همه عالم نشانه خداوند است. (همان، ص ۴۲۵) علامه طباطبایی نیز معتقد است: «اصولاً علم در زبان قرآن عبارت است از یقین به خدا و آیات او.» (طباطبایی، ۱۳۹۰، ج ۱۶: ص ۳۰۹) به هر روی دیدگاه قرآن درباره چیستی علم موضوعی قابل بحث و کنکاش است که در محل خود، انجام گرفته است.^۷

به اقتضای رویکرد فرهنگی پژوهش حاضر و با بهره‌گیری از موارد کاربست این ماده در قرآن، تلاش داریم تا نگاهی ضابطه‌مند به این مقوله که ارزشی بودن آن، از بیان «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ» (زمر: ۹) هویداست، داشته باشیم و ضلع دیگری از الگوی رشد فرهنگی را تعریف نماییم.

جدول پیوست فرهنگی علم‌گرایی در قرآن کریم

آیه	بایسته نگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی	نظام	ارجاع
۱	باورمندی به جایگاه خاص علم مطلق الهی در قبال انسان و جهان	باورها	بقره: ۳۰
۲	لزوم آگاهی و شناخت علمی صفات الهی	باورها	بقره: ۱۹۴
۳	بایستگی علم‌زایی خلقت و افعال الهی برای جامعه انسانی	باورها	یونس: ۵
۴	باورمندی به نارسایی علم بشر در مقایسه با علم الهی	باورها	اسراء: ۸۵
۵	باورمندی به عدم انحصار علم در علوم طبیعی	باورها	بقره: ۱۲۹، تکوین: ۵
۶	باورمندی به اختصاص برخی شناخت‌ها به بسترهای فرامادی	باورها	انعام: ۱۳۵، هود: ۳۹ و ۹۳
۷	باورمندی به اختصاص فراگیری علم غیراکتسابی به مسیر	باورها	بقره: ۳۱، یوسف:



۱۰۱، کهف: ۶۵، تحریم: ۳، طه: ۱۱۴		ارتباطی انسان با خداوند	
بقره: ۱۵۱ و ۲۳۹، نساء: ۱۱، انعام: ۹۱، هود: ۴۹	باورها	باورمندی به اختصاص دستیابی برخی شناخت‌ها به مسیر وحی	۸
آل عمران: ۷	باورها	باورمندی به اختصاص علم تأویل قرآن به خدا و راسخون در علم	۹
بقره: ۱۸۴ و ۲۸۰، توبه: ۴۱، عنکبوت: ۱۶، صف: ۱۱، جمعه: ۹	رفتارها	بایستگی فهم دین و شریعت به آگاهی‌های علمی	۱۰
انفال: ۴۱	باورها	لزوم آگاهی از شریعت در فرهنگ معیار	۱۱
احقاف: ۴	رفتارها	لزوم ارائه مستندات علمی بر باورهای ایمانی	۱۲
بقره: ۱۰۲	رفتارها	لزوم توجه به علم نافع و پرهیز از علم مضر	۱۳
رعد: ۱۹، زمر: ۹، مجادله: ۱۱	گرایش‌ها	ارزش‌انگاری جایگاه علم و عالم	۱۴
شعراء: ۱۹۷	گرایش‌ها	ارزش‌انگاری و باورمندی به آیه بودن علم عالم	۱۵
بقره: ۲۴۷، یوسف: ۵۵	باورها	لزوم دانایی و برخورداری علمی در تصدی مناصب حکومتی	۱۶
آل عمران: ۶۱ و ۶۶، جاثیه: ۲۳	باورها	باورمندی به عدم اکتفای علم در حق‌مداری و ایجاد فرهنگ معیار	۱۷
نمل: ۴۰	باورها	باورمندی به قدرت‌زایی مادی و فرامادی علم	۱۸
آل عمران: ۱۹۰، انعام: ۹۵، غاشیه: ۱۷	باورها	لزوم بهره‌گیری از علوم طبیعی در فرایند فرهنگ‌سازی (نجوم، گیاه‌شناسی، جانورشناسی و ...)	۱۹
فاطر: ۲۸، قصص: ۷۸	رفتاری	لزوم معنویت‌زایی علم و لحاظ آسیب‌زایی علم بدون معنویت	۲۰
جاثیه: ۹	رفتارها	لزوم پرهیز از تمسخر پس از علم به آیات الهی	۲۱
نساء: ۱۵۷، انعام: ۱۴۸، نجم: ۲۸	باورها	لزوم پرهیز از یکسان‌انگاری علم و ظن	۲۲
اسراء: ۱۰۲	باورها	باورمندی به آسیب‌زایی در عدم همراهی اراده با علم	۲۳
واقعه: ۶۲	باورها	لزوم ایمان‌زایی علم به پیدایش جهان برای انسان	۲۴

۲۵	لزوم ارائه برهان بر باورها توسط بزرگان جامعه در روز حساب	رفتارها	قصص: ۷۵
۲۶	لزوم اظهار نادانسته‌ها توسط مراجع علمی جامعه	رفتارها	انعام: ۵۰، هود: ۳۱
۲۷	لزوم اعلام امتیازات علمی شخصی در موارد نیاز جامعه	رفتارها	بقره: ۷۱، اعراف: ۶۲
۲۸	لزوم اعلام ارتباط رفتارهای شخصی با دانسته‌ها	رفتارها	یوسف: ۸۶
۲۹	لحاظ دانایی به‌عنوان ملاک پیروی	رفتارها	مریم: ۴۳، عنکبوت: ۸
۳۰	لزوم پرهیز از پیروی از مسیر نادانان	رفتارها	یونس: ۸۹، جاثیه: ۱۸
۳۱	لزوم خودداری از حضور و همراهی در هر حرکت غیرعلمی	رفتارها	اسراء: ۳۶
۳۲	لزوم پرسشگری در مورد نقاط ضعف علمی	رفتارها	نحل: ۴۳، انبیاء: ۷
۳۳	لزوم پیگیری شخصی در فراگیری علم	رفتارها	کهف: ۶۶
۳۴	لزوم کوچ و سفر برای کسب دانش دینی	رفتارها	توبه: ۱۲۲
۳۵	لزوم عدم اکتفا به سطح علمی محدود	رفتارها	طه: ۱۱۴
۳۶	لزوم هشداردهی نسبت به عوارض جانبی علوم خاص توسط آموزگار	رفتارها	بقره: ۱۰۲
۳۷	لزوم التزام به شناخت‌ها و داشته‌های علمی	رفتارها	بقره: ۲۲، ۴۲ و ۷۵، انفال: ۲۷، مؤمنون: ۸۴ و ۸۵
۳۸	التفات به آسیب‌زایی علم در همکاری عالم با طاغوت	رفتارها	اعراف: ۱۱۲، شعرا: ۳۷
۳۹	لزوم پرهیز از گفتار و مواجهه بدون علم	رفتارها	بقره: ۸۰ و ۱۶۹، اعراف: ۲۸، یونس: ۶۸، آل عمران: ۶۶
۴۰	لزوم التفات به تردیدافکنی غیرعلمی دشمن در فرهنگ معیار	رفتارها	اعراف: ۷۵
۴۱	لزوم فراگیری و آموزش علوم مرتبط با صنعت دفاعی	رفتارها	انبیاء: ۸۰
۴۲	لزوم آگاهی‌بخشی به عناصر ضدفرهنگی در قبال تجربه‌های تاریخی در سقوط تمدنی	رفتارها	قصص: ۷۸
۴۳	لزوم بهره‌گیری علمی در مسیر فرهنگ معیار از آثار باستانی	رفتارها	نحل: ۵۲
۴۴	لزوم التفات به وضعیت محیطی در عقب‌ماندگی علمی	رفتارها	توبه: ۹۷
۴۵	لزوم فرصت‌دهی به نادانان در فهم باور دینی	رفتارها	توبه: ۶
۴۶	لزوم پرهیز از مطرح‌سازی درخواست‌های غیرعلمی	رفتارها	هود: ۴۷
۴۷	لحاظ گفتار غیرعلمی به‌عنوان ریشه اختلافات اجتماعی	باورها	بقره: ۱۱۳



۴۸	لحاظ نادانی به‌عنوان منشأ اتهام‌افکنی و شایعه‌سازی در بستر اجتماع	رفتارها	نور: ۱۵
۴۹	لحاظ نادانی به‌عنوان منشأ دین‌گریزی در اجتماع	باورها	نمل: ۸۴
۵۰	لحاظ ظن به‌عنوان نهایت علم عناصر دنیاگرا	باورها	نجم: ۳۰
۵۱	لحاظ نادانی به‌عنوان علت ایجاد آداب و رسوم غیرعلمی	رفتارها	مائده: ۱۰۴، نحل: ۵۶، انعام: ۱۰۰ و ۱۴۰، کهف: ۵
۵۲	باورمندی به وجود سطحی از علم در تمام مخلوقات	باورها	نور: ۴۱

۳-۴-۱. شاخصه‌شناسی تبیین فرهنگی قرآن کریم از علم

۱- در نگاه قرآن، علوم طبیعی بایستی در نظام نگرشی انسان اثرگذار باشد. در قرآن کریم از علوم تجربی متعددی به اجمال سخن به میان آمده و موضوعات آن علوم را به‌عنوان نظام آفرینش و بخشی از آیات خداوند تلقی نموده تا نگرش توحیدی صحیحی به جامعه بشری منتقل سازد. اگر علوم مذکور در این بخش را به‌مثابه مثال بدانیم، روشن می‌شود که تمامی این دانش‌ها بایستی دارای یک پیوست فرهنگی مشخص در مسیر حصول فرهنگ معیار باشند تا در عین اهتمام به تلاش علمی، جایگاه آن علم در گستره بینش جامعه حل شده و جهان طبیعت منهای مبدأ و معاد آن لحاظ نگردد. نباید فراموش کرد وقتی تمام اشیای عالم «آیه» خالق انگاشته می‌شوند، علم به آنها حامل پیام فرهنگ توحیدی است و می‌تواند پیام فرهنگ‌پذیری داشته باشد. بنابراین نکته روشن علوم تجربی از منظر قرآن، همسویی فرهنگ معیار با طبیعت است. همان‌طور که می‌دانیم، سنت فلسفه اروپایی، تقابل فرهنگ با طبیعت بوده است؛ «روسو» زندگی طبیعی را در مقابل زندگی فرهنگی تمدنی قرار داد، «هردر» فرهنگ را آفریده ثانی در مقابل طبیعت به‌عنوان آفریده اول می‌داند، و «فروید» فرهنگ را عامل محدودکننده می‌شمرد؛ یعنی همه به‌گونه‌ای تقابل فرهنگ و طبیعت را اعتقاد داشتند. (مصلح، ۱۳۹۳: ص ۲۸۳) در حالی که قرآن این دیدگاه را تصحیح می‌کند و معتقد است که فرهنگ‌های ناهمسو با فرهنگ حق در مقابل طبیعت قرار دارند و تنها فرهنگ تراز قرآنی است که نه‌تنها همسو با طبیعت است، بلکه طبیعت، بخشی از نظام فرهنگ‌ساز شمرده شده و کتاب وحی آن را بستری از بسترهای نیل به فرهنگ معیار می‌داند که با حلقه واسط علم، می‌توان بدان دست یافت. در حقیقت یکی از اهداف همه علوم، نمایان ساختن وحدت مبدأ عالم است. (همان، ص ۲۸۴) دقیقاً از همین

رو است که ابن سینا بر اساس طرح فلسفی خود، انسان و جهان را همراه و هماهنگ می‌بیند و انسان و هرچه او بیافریند، ادامه طبیعت است. (همان، ص ۲۸۷) بنابراین فرهنگ معیار از مسیر علم کارآمد و هدفمند نسبت به جهان هستی و علوم طبیعی می‌گذرد. البته فرهنگی که جهان طبیعت سازنده آن است، ناظر به تعاریف ایدئولوژیک فرهنگ است همسو با تعاریف و نظریات جهان شمول (صالحی امیری، ۱۳۸۶: ص ۱۷) درباره فرهنگ و نوع نگاه انسان به جهان هستی را تعیین می‌نماید.

۲- در مورد بایسته علم نافع، هرچند ادبیات دینی و گفتار معصومان به صراحت بدان توجه داده‌اند،^۸ اما در قرآن این صراحت وجود ندارد. بلکه در نگاهی آسیب‌شناسانه به جریان‌های فرهنگی عصر سلیمان نبی، به موضوع آموزش سحر پرداخته شده و سپس می‌فرماید: «آنان چیزی را آموزش می‌دادند که مضر بود و نفعی برای آنها نداشت» (بقره: ۱۰۲). مفهوم روشن این فراز آیه، الزام دوسویه‌ای است که از یک سو به پرهیز از علوم ضرربخش توجه می‌دهد، و از سوی دیگر، اهتمام به علوم مفید و ثمربخش را لازم می‌داند.

هر چهار گرایش فوق، دارای پیوستی با ضوابط مشخص برای فرهنگ جامعه در سه بعد باورها، گرایش‌ها و رفتارها هستند. در حقیقت قرآن الگوی چهارضلعی خود را در تمام ابعاد فرهنگ، پیش برده و برای تمامی اجزای آن، ضابطه دارد. به دیگر، سخن قرآن در راهکار فرهنگی خود، هم برای کنش‌های درونی انسان که اعم از باورها و گرایش‌هاست، برنامه‌ریزی نموده، و هم برای کنش‌های بیرونی انسان که اعم از حوزه فردی و اجتماعی است، برنامه ارائه نموده است.

بایستی توجه داشت قرآن با اصالت‌بخشی توأمان به کنش‌های درونی و بیرونی انسان، که بخش نخست ناظر به گرایش‌ها و بخش دوم ناظر به رفتارهاست، انسان‌سازی و تمدن‌سازی را همزمان می‌پوید. ازاین‌رو در اصلاح فرهنگی جامعه، هم به معنویت و رابطه با آفریدگار توجه دارد و برای آن ضابطه تعریف می‌نماید، و هم عمل‌گرایی را به‌عنوان یک اصل لحاظ می‌نماید تا کنش‌های بیرونی انسان، امنیت فرهنگی را در عرصه جامعه دچار خدشه نکند.

۳- اضلاع الگوی بالا رابطه متقابل داشته و همپوشان هستند؛ به‌گونه‌ای که هر کدام متناظر با ضلع دیگر قابل لحاظ هستند. برای مثال عمل‌گرایی می‌تواند به‌عنوان عنصر اثرگذار بر افزایش معنویت لحاظ گردد، ازاین‌رو قرآن کریم هدف از نماز به‌عنوان یک



رفتار ارزشی را یاد خدا عنوان نموده است (طه: ۱۴). نیز علم می‌تواند به‌عنوان یک افزایشنده، بر معنویت‌گرایی اثرگذار باشد، به همین جهت خدا ترسی را از ویژگی‌های علما می‌شمارد (فاطر: ۲۸). همچنین خردگرایی می‌تواند عامل ایجاد عمل مطلوب تلقی گردد، از همین رو است که عدم التزام رفتاری به گفتار ارزشی فرد را مورد نقد عقلانی قرار داده و آن را خلاف خرد می‌شمارد (بقره: ۴۴).

۴- قرآن در الگوی بالا، تنها مترصد خردورزی، معنویت، عمل یا علم‌آموزی مقطعی و موردی نیست. این فرهنگ در تلاش است هر کدام از این چهار عنصر را به‌عنوان منش مستمر در جامعه هدف ایجاد نموده و در حقیقت آن عنصر را به نظام عادات تبدیل سازد. به همین جهت است که در موضوع معنویت‌زای «توکل»، برخلاف موضوع مورد توصیه دیگر در یک گزاره (صبر)، با استفاده از فعل مضارع، لزوم استمرار آن را در دو فراز از آیات وحی گوشزد نموده (نحل: ۴۲ و عنکبوت: ۵۹) تا تفهیم نماید که این بایسته بدون استمرار، کارکرد مطلوب را ندارد. مهم‌تر از این، شاخص‌سنجی جمعیتی ناظر به اضلاع الگوی بالاست که گاهی یک گرایش را ناظر به یک قوم لحاظ می‌نماید؛ البته بدون تعیین مصداق. از این رو اجزای نظام آفرینش را نشانه برای «قوم یَعقلون» معرفی می‌نماید (رعد: ۴)، و یا آثار باستانی را دارای نشانه‌های مشخصی برای «قوم یَعلمون» معرفی نموده است (نمل: ۵۲). بر این اساس، یک گرایش ارزشی توان ایجاد جمعیتی با منش خاص دارد که نشان از پررنگ بودن آن گرایش در سیره یک گروه است. این نوع نگرش قرآنی، با حذف مرزهای جغرافیایی، ملی و نژادی، مرزهای جدیدی از بسته‌های جمعیتی را ارائه نموده که با التزام به هر کدام از اضلاع الگوی فوق تعریف می‌گردند.

۵- اگر پرسیده شود بر چه اساسی این چهار گرایش به‌عنوان الگوی گرایشی تأمین فرهنگ معیار معرفی شده است و آیا این چهار ضلع، توان استیفای کامل فرهنگ دینی را دارند، در پاسخ بایستی به تجزیه محتوای فرهنگ دینی بپردازیم که در نگاهی کلان از سه بخش اصول دین، فروع دین و اخلاق تشکیل شده‌اند. معنویت‌گرایی به همراه خردگرایی، نوع کنش مطلوب انسان در رابطه با خالق هستی را تضمین می‌کند. آن‌گاه به‌صورت همپوشان با علم‌گرایی، دریافت توحیدی از عالم هستی و هدفمندی آن را تأمین می‌کند. سپس خردگرایی، علم‌گرایی و عمل‌گرایی، ضامن اجرای کامل نظام شریعت و فروع دین خواهند بود و منش مطلوب اخلاقی هم با همین اضلاع قابل تحصیل خواهد بود. البته می‌دانیم معنویت، عنصر صحت عمل در احکام دینی و

رفتارهای اخلاقی شمرده شده است. پس معنویت چتری است که بر عناصر دینی پوشش می‌دهد. بنابراین هیچ جزئی از اجزای فرهنگ دینی وجود ندارد که در میدان وجود این اضلاع، تأمین نگردد.

نتیجه‌گیری

برون‌داد کلی الگوی گرایشی قرآن در رشد فرهنگی را می‌توان ذیل مفهوم «آرمان‌گرایی» تعریف نمود. دریافت و تعریف نگارنده از آرمان‌گرایی، ارزش‌گذاری و هدف‌گذاری مشخص برای دستیابی به اهداف درازمدت مادی و معنوی و تلاش برنامه‌ریزی شده در مسیر تحقق آن اهداف است. به همین جهت برخی تأکید دارند که فرهنگ را باید به‌عنوان یک قلمرو آرمانی، روحی و غیرمادی در نظر گرفت. (اسمیت، ۱۳۹۴: ص ۱۷) بر این اساس، تلاش اصلی قرآن برای افزایش گستره منفعت‌طلبی فطری انسان است که ذیل پیروی از فرهنگ تراز قابل دست‌یافت است. قرآن ترک لذت‌جویی را از جامعه ایمانی نمی‌طلبد، بلکه برای لذات پایدار، برنامه ارائه داده و به همین جهت می‌فرماید: «روزی پروردگارت بهتر و پایدارتر است» (طه: ۱۳۱).

برآیند حجمی گزاره‌ها و ضوابط در الگوی فوق، نشانگر اولویت درجه یک معنویت‌گرایی است که دارای بیشترین ضوابط در مقایسه با سه ضلع دیگر است. این مسأله اولاً نشانگر نقطه اصلی تمایز فرهنگ توحیدی از فرهنگ سکولار و مادی‌گراست که همواره در طول تاریخ نقطه آسیب جوامع شناخته می‌شود. ثانیاً آشکار می‌سازد که معنویت‌گرایی قدرتمندترین عامل در حرکت و رشد فرهنگی است. از همین رو در بخشی از آیات وحی، جامعه ایمانی را به قید صبر و شکیبایی، قابل غلبه بر حجم ده‌برابری از کفار می‌شمارد (انفال: ۶۵).

پی‌نوشت‌ها

۱. با اقتباس از تفکیک فرهنگ به «هسته» و «محیط». ر.ک: جمعی از نویسندگان، ۱۳۸۷: ص ۷-۹.
۲. توجه به این نکته ضروری است که حتماً باید میان تلقی از «فرهنگ دینی» با «دین فرهنگی» تفاوت قائل شد. دین فرهنگی، همان مضامین و آموزه‌های انحصاری دین است که فرهنگ صرفاً ابزار انتقال آن است. اما فرهنگ دینی، شکل‌گیری یک فرهنگ با جهان‌بینی، اهداف و آرمان‌های دینی است.



۳. این رویکرد یک طیف گسترده را شامل می‌شود که با وجود تفاوت‌ها و اختلاف دیدگاه در این نظام معرفتی قابل ذکر است. از صاحبان این دیدگاه می‌توان به سید جمال‌الدین اسدآبادی (۱۸۷۳-۱۸۹۷)، عبده (۱۸۴۹-۱۹۰۵)، ابوالاعلی مودودی (م ۱۹۷۹م)، و در نهایت شهید مطهری، امام خمینی و مقام معظم رهبری اشاره کرد.
۴. ر.ک: معنویت یک علم است؛ بهرام الهی، فرزاد یمینی.
۵. ر.ک: معنویت و قدرت سیاسی؛ ولی محمد احمدوند؛ پژوهشگاه فرهنگ و اندیشه اسلامی.
۶. ر.ک: معنویت قدسی از نگاه قرآن؛ علیرضا نوبری؛ نشر معارف، معنویت در مدیریت؛ ابراهیم گیوکی، انتشارات دانشگاه آزاد اسلامی واحد خمین.
۷. ر.ک: نظریه قرآن در باب چیستی علم؛ حمیدرضا مظاهری سیف، معرفت، شماره ۸۳.
۸. امیرالمؤمنین در نامه به فرزندش چنین نگاشت: «بدان که بهره و خیری در علم غیرنافع وجود ندارد.» (ابن شعبه، ۱۳۶۳: ص ۷۰)

فهرست منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی (۱۳۶۳)، تحف العقول عن آل الرسول، ترجمه علی اکبر غفاری، چاپ دوم، قم: جامعه مدرسین.
۳. اسمیت، فلیپ و الگزندر رایلی (۱۳۹۴)، نظریه فرهنگی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
۴. امامی، سید مجید (۱۳۹۱)، پیوست فرهنگی از مفهوم تاروش، تهران: انتشارات دانشگاه امام صادق ۷.
۵. جمعی از نویسندگان (۱۳۸۷)، آینده فرهنگ‌ها، تهران: مؤسسه فرهنگی آینده پویان.
۶. حائری یزدی، مهدی (۱۹۹۴)، حکمت و حکومت، لندن: شادی.
۷. صالحی امیری، سید رضا (۱۳۸۶)، مفاهیم و نظریه‌های فرهنگی، تهران: انتشارات ققنوس.
۸. طباطبایی، سید محمدحسین (۱۳۹۰ق)، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ دوم، بیروت: مؤسسه الاعلمی.
۹. کلینی، محمدبن یعقوب (۱۴۰۷ق)، الکافی، چاپ چهارم، تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۱۰. مصباح یزدی، محمدتقی (۱۳۹۲)، رابطه علم و دین، قم: مؤسسه آموزشی پژوهشی امام خمینی.
۱۱. مصلح، علی اصغر (۱۳۹۳)، فلسفه فرهنگ، تهران: نشر علمی.
۱۲. مطهری، مرتضی (۱۳۷۶)، مجموعه آثار شهید مطهری، چاپ هفتم، تهران: انتشارات صدرا.
۱۳. معین، محمد (۱۳۸۶)، فرهنگ فارسی، چاپ چهارم، تهران: ادنا.
۱۴. منسوب به جعفر بن محمد الصادق (۱۴۰۰ق)، مصباح الشریعه، بیروت: اعلمی.
۱۵. نویسندگان (۱۳۹۳)، نقشه مهندسی فرهنگی کشور، شورای عالی انقلاب فرهنگی، تهران: دبیرخانه شورای عالی انقلاب فرهنگی.